

بررسی عوامل موثر بر ریسک اعتباری به منظور کاهش ریسک نکول (عدم پرداخت) در شعب بانک تجارت شهر تبریز

پردیس بهاج^۱ مجید مقصودی^۲

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه غیرانتفاعی شمس، تبریز، داور بین المللی تجاری و مدنی

۲. دانشجوی دکترای اقتصاد مالی گرایش پولی، کارشناس خبره بانکی، بانک تجارت استان آذربایجان شرقی

چکیده

در اقتصادهای ملی، بانکها به عنوان نهادهای مالی نقش واسطه گری مالی را به عهده دارند؛ بنابراین کارکردهای پس انداز، سرمایه گذاری، تولید، اشتغال و رشد در اقتصاد ملی تحت تاثیر تصمیمات، اقدامات و عملیات بانکها است. هدف از انجام این تحقیق بررسی عوامل موثر بر ریسک اعتباری به منظور کاهش ریسک نکول (عدم پرداخت) شعب بانک تجارت شهر تبریز بود. بدین منظور با استفاده از داده های ۹۹ پرونده تسهیلات بانکی در طی سال ۱۴۰۰ با روش رگرسیون لاجیت و استفاده از نرم افزار ایویوز به تخمین مدل و بررسی اهداف تحقیق پرداخته شد. نتایج نشان داد که متغیرهای نوع تسهیلات، نوع وثیقه و سابقه اخذ تسهیلات رابطه منفی و معناداری با ریسک اعتباری بانک دارند. همچنین رابطه معناداری بین میزان تسهیلات دریافتنی، سابقه نزد بانک و پس انداز در زمان اخذ تسهیلات یافت نشد.

کلمات کلیدی: ریسک اعتباری، تسهیلات، نوع وثیقه، سابقه اخذ تسهیلات، میزان تسهیلات دریافتنی، سابقه نزد بانک.



Investigating Factors Affecting Credit Risk in Order to Reduce the Risk Default (Non-Payment) in Tejarat Bank Branches in Tabriz

Abstract

In national economies, banks as financial institutions have the role of financial intermediary; Therefore, the functions of savings, investment, production, employment and growth in the national economy are influenced by the decisions, actions and operations of banks. The purpose of this research was to investigate the factors affecting credit risk in order to reduce the risk of default (non-payment) of Tejarat Bank branches in Tabriz. For this purpose, by using the data of 99 bank facility files during the year 1400, with the logit regression method and the use of Eviuse software, the model was estimated and the research objectives were investigated. The results showed that the variables of type of facility, type of collateral and history of obtaining facilities have a negative and significant relationship with the bank's credit risk. Also, no significant relationship was found between the amount of receivables, history with the bank and savings at the time of receiving the loan.

Keywords: Credit Risk, Facility, Type of Collateral, History of Obtaining Facilities, Amount of Receivables, History with the Bank.



۱- مقدمه

بسیاری از افراد، شیوه سنتی بانکداری را که در آن بخش اعظم درآمد بانک‌ها از محل پرداخت تسهیلات به افراد حقیقی و حقوقی تحقق پیدا می‌کند، غیرقابل تغییر و انعطاف می‌دانند و معتقدند وظیفه‌ی اصلی بانک به جمع‌آوری وجوه (منابع) و پرداخت آن در قالب تسهیلات خلاصه می‌شود. اما سیستم کسب درآمد در بانک‌های پیشرفته در حال تغییر و دگرگونی است؛ به گونه‌ای که سهم کسب درآمد از محل ارائه خدمات آنها به طور مرتب در حال افزایش است. در حال حاضر نسبت درآمد بانک‌ها در ایران از محل کارمزد دریافتی بسیار ناچیز است و خدمات در بازارهای بین‌المللی بخشی از خدمات نوینی است که بانک‌ها انجام می‌دهند (رونی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲).

منابع درآمدی بانک‌ها شامل سود اعطای تسهیلات و کارمزد عملیات بانکی است. درآمد عملیاتی بانک‌ها در واقع مابه‌التفاوت نرخ سود پرداختی است. منابع درآمدی کارمزدهای بانک می‌تواند شامل مواردی نظیر کارمزدهای ناشی از عملیات ارزی، نقل و انتقال وجوه مشتریان، گشایش و تمدید اعتبارات اسنادی داخلی و خارجی، صدور انواع ضمانتنامه، صدور حوالجات و بروات، خدمات الکترونیکی، ارائه خدمات مشاوره‌ای بانکی، حق کارشناسی، خدمات ربالی مانند نگهداری حساب‌های جاری باشد. بررسی درآمدهای غیربهره‌ای بانک‌ها با وجود مطالبات معوق بانک‌ها و خطر ورشکستگی آنها و نیاز شدید بانک‌ها به منابع جدید درآمدی برای سودآوری از ضرورت دیگر انجام این تحقیق است. بانک‌ها در جریان عملیات با انواع ریسک‌ها مواجه هستند. از لحاظ نظری، حذف انواع ریسک غیرممکن است، اما شناسایی و مدیریت آنها به عنوان تنها راه‌حل ممکن مطرح است. در واقع مدیریت ریسک رویه‌ای است که در تعامل با نااطمینانی‌های ناشی از بازارهای مالی، بانک را به سوی اتخاذ استراتژی مناسب سوق می‌دهد (ریچارد^۲ و همکاران، ۲۰۱۷).

یانگ و رولاند (۲۰۰۱)، معتقدند گسترش محل درآمدزایی بانک از سه مسیر می‌تواند باعث افزایش ریسک گردد: اول، درآمد از محل ارائه خدمات تسهیلات در طول زمان، به اندازه کافی به دلیل وجود هزینه‌های اطلاعاتی و جایگزینی بالا برای تسهیلات‌گیرندگان و دهندگان میل به ثبات دارد؛ زیرا درآمد از محل ارائه خدمات مستقل از نرخ بهره، معمولاً دارای نوسانات زیادی است. بانک‌ها به راحتی می‌توانند فعالیت‌های مستقل از نرخ بهره خود را با یکدیگر جایگزین کنند؛ در حالی که جایگزینی این فعالیت‌ها با فعالیت‌های تسهیلات به این آسانی میسر نمی‌شود. دوم، اهرم اجرایی بانک با گسترش فعالیت‌های غیربهره‌ای ممکن است افزایش یافته و منجر به افزایش هزینه‌های ثابت بانک به دلیل سرمایه‌گذاری‌های جدید در تکنولوژی و نیروی انسانی گردد. به دلیل رابطه‌ی قرضی که قبلاً ایجاد شده، هزینه‌ی نهایی روی تسهیلات‌های اضافی محدود نشده است و در پایان، تعدیل‌کننده‌ها تجهیزات سرمایه‌ای کمتر یا بدون تجهیزات سرمایه‌ای برای فعالیت‌های درآمد غیربهره‌ای را تحمیل می‌کنند که ممکن است عایدی‌های نوسانی که منجر به قدرت مالی می‌شوند را افزایش دهد. همچنین لایورنس^۳ اشاره می‌کند که درآمد با بهره و درآمد غیربهره‌ای تا حد امکان بهم وابسته هستند؛ زیرا فروش تقاطعی محصولات مختلف به مصرف‌کننده یکسان، در واقع سود متنوعی را تولید نمی‌کند (لایورنس و همکاران، ۲۰۱۵).

تغییرات ساختاری در سیستم بانکی و گستردگی راه‌های تأمین مالی دیگر برای بنگاه‌ها موجب شده است تا بانک‌ها به صورت پیوسته در جستجوی سایر راه‌های سودآوری در کنار ارائه تسهیلات باشند. از دیدگاه نظری، بانک‌ها می‌توانند از

¹ Ronny

² Richard

³ Laurence



صرفه های مقیاس وقتی که کانال درآمدزایی خود را گسترش می دهند، منتفع گردند. بانک ها می توانند در کنار ارائه خدمات تسهیلات به مشتریان با ارائه خدمات مالی دیگر و بهره گیری از اطلاعات مشتریان باعث کارآتر شدن و سودآوری بیشتر بانک گردند. منطق گویای این مطلب این است که بانک ها می توانند با چند کاناله کردن درآمدزایی خود و یا با انتقال درآمدزایی خود از خدمات تسهیلاتی (دارای بهره) به خدمات غیر تسهیلاتی (مانند سایر خدمات مالی دارای درآمد برای بانک و بی تأثیر از نرخ های بهره) باعث کاهش ریسک کلی بانک گردند (لاپورتا^۴ و همکاران، ۲۰۰۰).

یکی از ابزارهای لازم و موثر برای توسعه اقتصادی کشور، وجود نظام بانکی کارآمد است. بانک ها نبض فعالیت های مالی هستند و وضعیت حاکم بر آن ها می تواند تأثیر مهمی بر سایر بخش های اقتصادی یک جامعه داشته باشد. بانک ها با سازماندهی و هدایت دریافت ها و پرداخت ها، مبادله های تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازاریها، رشد و شکوفایی اقتصادی می شوند. با این حال، در سال های اخیر صنعت بانکداری به دلایل مختلفی از قبیل خطر یا هزینه های ناشی از نوسان های نرخ بهره، تورم، ارز و یا بازپرداخت نشدن تسهیلات پرداختی با چالش های متعددی روبرو شده اند. تداوم و شدت چنین چالش هایی برای صنعت بانکداری در دنیا و کشورها بحران های متعددی را رقم زده است. وجود چنین پیامدهایی، مسئولان نهادهای نظارتی و اجرایی سیستم های مالی را بر آن داشته است تا مدیریت ریسک نهادهای مالی و به خصوص بانک ها را با جدیت بیش تر و کارشناسانه تری مورد توجه قرار دهند (مرادی، ۱۳۹۵). به تبع این مساله، آگاهی از میزان اثرگذاری ریسک های مهم بانکی بر عملکرد نظام بانکی باهدف مدیریت ریسک های مذکور و پیامدهای نامطلوب آن ها حائز اهمیت است.

بانک یک نهاد اقتصادی است که با تأمین سرمایه اولیه، باهدف کسب سود، اقدام به دادن ارائه خدمات بانکی می نماید. فعالیت های اصلی بانک ها شامل جمع آوری وجوه مازاد صاحبان سرمایه، اعطای اعتبارهای به متقاضیان و ارائه خدمات بانکی است. ریسک اعتباری به دلیل ارتباط آن با فعالیت های عملیاتی بانک ها یکی از مهم ترین ریسک های موجود در نظام بانکی است و در بیشتر مواقع زیان مربوط به ریسک اعتباری از سایر ریسک ها بیشتر است (اسکینر^۵ و همکاران، ۲۰۱۱).

در پژوهش های انجام شده فوس^۶ و همکاران (۲۰۱۸)، رابطه میان رشد تسهیلات و ریسک پذیری ۳۸۹ بانک را با استفاده از مدل های رگرسیونی را در ۶۳ کشور مختلف مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که رشد تسهیلات منجر به افزایش در احتمال خسارت تسهیلات، کاهش درآمد حاصل از نرخ بهره و نسبت های سرمایه ی کمتر می شود. فستیک^۷ و همکاران (۲۰۱۸)، نشان دادند که فعالیت های غیر بهره ای، ریسک اعتباری را افزایش می دهد؛ زیرا این فعالیت ها بدون الزامات قانونی، فرصتی را برای افزایش قابل توجه اهرم مالی فراهم می کنند و یک رابطه قوی بین بعضی متغیرهای ویژه ی بانکی و سودآوری آنها وجود دارد. اپر و لافونت^۸ (۲۰۱۵)، اقدام به بررسی تأثیر ریسک بر عملکرد بانکی در صنعت بانکداری کاستاریکا برای دوره ی زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۸ نمودند. آنها بیان نمودند که تسهیلات تأثیر منفی را بر بهره وری و برگشت دارایی ها در زمانی که نسبت کفایت سرمایه یک اثر مثبت بر حاشیه ی سود خالص ایجاد می نماید، دارد. آذرپندار (۱۳۹۷)، به بررسی ارتباط بین ریسک نقدینگی و اعتباری در صنعت بانکداری ایران پرداخته است. نتایج مطالعه ی وی نشان داد

⁴ LaPorta

⁵ Skinner

⁶ Fous

⁷ Festik

⁸ Epure and Lafuente



بین ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی ارتباط منفی وجود دارد و این رابطه از سمت ریسک اعتباری به ریسک نقدینگی شدیدتر است. به عبارتی اثرهای متغیر ریسک اعتباری به عنوان یک متغیر غالب در این ارتباط مطرح است و به اصطلاح اثرهای آن به عنوان پدیده ی چشم گیری بروز خواهد کرد. خوش سیم و تاش (۱۳۹۷)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر ریسک های اعتباری، عملیاتی و نقدینگی بر کارایی نظام بانکی ایران پرداختند. به منظور ارزیابی کارایی و رتبه بندی بانک ها، انتخاب مدل بهینه سازی ریاضی استفاده شده است. در این راستا ۳۱ بانک به عنوان جامعه آماری پژوهش مورد مطالعه قرار دادند. یافته های پژوهش بیانگر تفاوت دو روش پارامتریک و ناپارامتریک در ارزیابی کارایی و رتبه بندی بانک ها و برتری نسبی روش پارامتریک نسبت به روش ناپارامتریک می باشد. همچنین یافته های پژوهش بیانگر آن بود که ارتباط معناداری بین ریسک اعتباری، عملیاتی، نقدینگی و کارایی در نظام بانکی ایران وجود دارد. میرزائی (۱۳۹۶)، ابطه بین ریسک اعتباری و قیمت تمام شده پول در بانک کشاورزی (مطالعه موردی استان کرمان) را مورد مطالعه قرار داد. جامعه آماری در این تحقیق بانک های کشاورزی استان کرمان به تعداد ۸۰ شعب و نمونه ی آماری شامل ۸۰ شعب بود که نمونه گیری به روش سر شماری انجام شد. داده های تحقیق از صورت های مالی در ۵ سال متوالی از سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ شعب بانک به دست آمد. یافته های پژوهش حاکی از این است که بین ریسک اعتباری، مطالبات سررسیده، مطالبات معوق، مطالبات مشکوک الوصول، نوع وثائق مطالبات مشکوک الوصول، سن تقویمی مطالبات مشکوک الوصول با قیمت تمام شده پول در بانک کشاورزی استان کرمان رابطه ی مستقیم و بین وصول مطالبات با قیمت تمام شده پول رابطه ی معکوس وجود دارد. با توجه به مطالب عنوان شده مساله اساسی تحقیق حاضر این است که چه عواملی بر ریسک اعتباری به منظور کاهش ریسک نکول (عدم پرداخت) در شعب بانک تجارت شهر تبریز موثر است؟

۲- مبانی نظری

ارتباط صحیح بین نظام های مالی و تولیدی در هر کشوری از مهم ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی محسوب خواهد شد. بانک ها به عنوان بخش اصلی نظام مالی (نظام پایه بانکی) نقش اصلی را در تأمین مالی بخش های تولیدی، تجاری و مصرفی و حتی دولتی بر عهده خواهند داشت (ویگان^۹ و همکاران، ۲۰۰۹). در ایران نیز با توجه به ساختار اقتصادی کشور و به دلایلی هم چون عدم توسعه بازارهای سرمایه و سایر شبکه های غیر بانکی و قراردادی، تأمین مالی بخش های واقعی اقتصاد بر عهده ی شبکه بانکی کشور است. متأسفانه این بخش نیز در رسیدن به رسالت های خویش چندان موفق نبوده است. هم اکنون تداوم فعالیت ها و بقای بیشتر بانک های کشور ناشی از حمایت های دولتی است. بالا بودن ذخایر بانک ها و تسهیلات اعطایی سوخت شده و یا معوق بانک ها، گویای نبود مدل های مناسب اندازه گیری ریسک اعتباری و سیستم های مدیریت ریسک در شبکه بانکی می باشد. در بازاری که حاشیه سود بانک ها به دلیل تشدید رقابت همواره در حال کاهش بوده و همواره فشار برای کاهش بیشتر هزینه ها احساس می شود، مدل های ریسک اعتباری با پیش بینی زیان های عدم بازپرداخت تسهیلات ها نوعی برتری نسبی برای بانک ها و نهادهای اعتباری ایجاد خواهد کرد.

۲-۱- ریسک اعتباری بانک

ریسک عبارت است از تهدیدی فرصت زا جهت دستیابی به موفقیت و منفعت، در فرهنگ لانگمن ریسک به معنای احتمال وقوع چیزی بد یا نا مطلوب و یا احتمال وقوع خطر تعریف شده است، به بیان دیگر می توان ریسک را احتمال برآورده نشدن پیش بینی های آینده در نظر گرفت. به طور کلی ریسک دوتنوع می باشد، حالت اجباری و اختیاری که نوع دوم آن

⁹ Weigand



قابلیت کنترل و مدیریت را دارد. مدیریت ریسک عبارت است از شناسایی و تحلیل، تدبیر و برنامه ریزی مدرن برای مواجه شدن با آثار مطالعه آئین و استقبال از اثرات آن.

فرآیند مدیریت ریسک عبارت است از: ۱- برنامه ریزی مدیریت ریسک ۲- شناسایی ریسک و بررسی کیفی آن ۳- بررسی کمی ریسک ۴- برنامه ریزی واکنشی و کنترل ریسک.

ریسک در همه موسسات و سازمان وجود دارد و در صورت عدم مدیریت صحیح آن زیان های متعدد را وارد می سازد که این خسارات ممکن است به صورت مستقیم و از طریق زمان های درآمدی و سرمایه ای ایجاد گردد یا به صورت غیرمستقیم و از محدودیت ها جهت دستیابی به اهداف تجاری و مالی بوجود آید (دیانت پی، ۱۳۹۴).

۲-۲- ریسک در صنعت بانکداری

بخش عمده ای از مروادات بانک های جهان با ارائه تسهیلات مالی به مشتریان می باشد و در ایران این موضوع بسیار برجسته تر از سایر نقاط می باشد. زیرا ساختار کلی بانک ها نوعی وابستگی به دولت را ایجاد می نماید و الزام آنها به ارائه تسهیلات مختلف به افراد بدون شناخت کافی از توانایی های مالی و عملکرد گذشته آنها مشکلات عدیده ای را در جهت باز پرداخت تسهیلات را موجب گردیده است که بر اساس نظر موسسه بین المللی Kpmg میزان مطالبات معوق بانک ها، بیانگر ریسک عملیاتی بالای آنها می باشد (طارمی و همکاران، ۱۴۰۱).

براساس نظرات سینکی (۱۹۹۲) و رز (۱۹۹۹)، پنج نوع ریسک عمده در بانک ها وجود دارد که عبارتند از: ۱- ریسک اعتباری: عبارت از احتمال تعویق، مشکوک الوصول یا عدم وصول شدن تسهیلات ارائه شده به مشتریان می باشد. ۲- ریسک نقدینگی، ۳- ریسک بازار، ۴- ریسک نرخ بهره و ۵- ریسک سودآوری. هر چند در مطالعات انواع دیگری نیز ریسک مانند ریسک نوسان ارز، سرمایه گذاری، اقبالی جدید، تصمیمات اقتصادی نیز به عنوان ریسک بانکی ارائه شده اند (جماعت و همکاران، ۱۴۰۰).

۲-۲-۱- اجزاء ریسک

تجزیه و تحلیل گران سرمایه گذاری مدرن، منابع ریسک را که باعث تغییر و پراکندگی در بازده می شود به دو دسته تقسیم می کنند:

آن دسته از ریسک هایی که ماهیتاً وجود دارند از قبیل ریسک بازار یا ریسک نوسان نرخ بهره و آن دسته از ریسک هایی که برای اوراق خاصی وجود دارد از قبیل ریسک مالی و ریسک تجاری. یک راه منطقی برای تقسیم ریسک کلی به اجزاء تشکیل دهنده آن، تمایز میان اجزای کلی (بازار) و اجزای خاصی (اوراق خاص) است. این دو نوع ریسک را که تجزیه و تحلیل گران به آنها ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک می گویند می توان به صورت زیر نشان داد:

ریسک غیرسیستماتیک + ریسک سیستماتیک = ریسک کل

ریسک غیر سیستماتیک: آن قسمت از تغییرپذیری در بازدهی کلی اوراق بهادار را که به تغییرپذیری کلی بازار بستگی ندارد ریسک غیر سیستماتیک می گویند. این نوع ریسک منحصر به اوراق بهادار خاصی است و به عواملی همچون ریسک تجاری، مالی و ریسک نقدینگی بستگی دارد.

اگر چه کلیه اوراق بهادار تا حدی از ریسک غیر سیستماتیک برخوردار هستند ولی سهام عادی بیشتر با این نوع ریسک مرتبط است. این نوع ریسک را می توان با ایجاد پرتفلیو کاهش داد.



ریسک سیستماتیک^{۱۰}: سرمایه گذاران می توانند با تشکیل پرتفولیو قسمتی از ریسک کلی را که به بازار ربطی ندارد کاهش دهند.

آن قسمت از ریسک که باقی می ماند غیر قابل کاهش و مربوط به بازار است. اگر بازار سهام به سرعت افت داشته باشد، بیشتر سهامداران را تحت تاثیر قرار می دهد و بر عکس این تغییرات بدون توجه به رفتار یک سرمایه گذار خاص رخ می دهد و برای کلیه سرمایه گذاران بحران ساز است.

تغییرپذیری در بازده کلی اوراق بهادار، مستقیماً به تغییرات بازار یا اقتصاد بستگی دارد که به آن ریسک سیستماتیک یا ریسک بازار گفته می شود. معمولاً تمامی اوراق بهادار (اعم از اوراق قرضه و سهام عادی) تا حدودی از ریسک سیستماتیک برخوردارند، چرا که ریسک سیستماتیک دربرگیرنده ریسک های تورم، بازار و نرخ بهره است (فارغ، ۱۳۹۱).

بتا^{۱۱}: بتا عبارت است از معیار اندازه گیری ریسک سیستماتیک یک اوراق بهادار که به عنوان قسمتی از ریسک کلی نمی توان آن را از طریقی ایجاد تنوع کاهش داد یا از بین برد. بتا، معیار نسبی ریسک یک سهام با توجه به پرتفلیو بازار تمامی سهام است. اگر بازده اوراق بهادار در نتیجه تغییرات، بیشتر (یا کمتر) از بازده بازار باشد در آن صورت پراکندگی بازده آن اوراق بهادار، بیشتر (کمتر) از بازده سایر اوراق بهادار موجود در بازار خواهد بود. بتا شیب خط رگرسیون است که بازده ورقه بهادار با بازده اوراق بهادار موجود در بازار مرتبط می سازد. اگر شیب این رابطه برای اوراق بهادار خاصی دارای زاویه ۴۵ درجه باشد، در آن صورت بتا برابر یک است. یعنی در صورت تغییر هر یک درصد، در بازده بازار، به طور متوسط، بازده این اوراق بهادار یک درصد تغییر خواهد کرد. بتا به عنوان شاخص اندازه گیری ریسک سیستماتیک برای سهام عادی است (ریاحی بلکویی، ۱۳۹۶).

۲-۲-۲- مدیریت ریسک

عدم اطمینان محیطی و شدت رقابت سازمان ها و مدیران، آنها را با چالش های متعدد مواجه ساخته است. برای مدیر مؤثر این چالش ها، رویکردهای نوین مدیریت و شایستگی های خاص طرح و توصیه شده است. شناسایی و مدیریت ریسک یکی از رویکردهای جدید است که برای تقویت و ارتقای اثربخشی سازمان ها مورد استفاده قرار می گیرد. به طور کلی، ریسک با مفهوم احتمال متحمل زیان و یا عدم اطمینان شناخته می شود که انواع مختلف و طبقه بندی های متنوع دارد. یکی از این طبقه بندی ها ریسک سوداگرانه و ریسک خطرناک است. تمامی اشکال ریسک شامل عناصر مشترکی چون محتوا، فعالیت، شرایط و پیامدها هستند. طبقه بندی دیگر ریسک استراتژیک و ریسک عملیاتی است. مدیریت ریسک به مفهوم سنجش ریسک و سپس اتخاذ راهبردهایی برای مدیریت ریسک دلالت دارد. انواع ریسک ها برحسب احتمال وقوع و تأثیر آنها قابل تقسیم است که نتیجه آن پورتفوی ریسک و اعمال استراتژی های مناسب (انتقال، اجتناب، کاهش و پذیرش) است (دنيس^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۰).

۲-۳- انواع ریسک

۱- ریسک تجاری: ریسک ناشی از انجام تجارت و کسب و کار در یک صنعت خاص.

¹⁰ Unsystematic Risk

¹¹ Beta

¹² Denis



۲- ریسک بازار: ریسک بازار عبارتست از تغییر در بازده که ناشی از نوسانات کلی بازار است و در اثر نوسانات قیمت دارایی‌ها در بازار ایجاد می‌شود. اشخاص حقیقی و حقوقی دارایی‌های خود را به صورت‌های مختلف مانند پول نقد، سهام، اوراق قرضه، مسکن، طلا و سایر دارایی‌های با ارزش نگهداری می‌کنند. تمام این دارایی‌ها در معرض تغییرات قیمت قرار دارند، و این نوسانات قیمتی مداوم، عامل اصلی ایجاد ریسک بازار هستند. ریسک بازار که یکی از عوامل اصلی ایجاد کننده ریسک می‌باشد، به همراه ریسک اعتباری نقش اصلی را در اکثر ورشکستگی‌ها ایفا می‌کند. بحران‌های پیاپی و پیوسته مالی ناشی از ریسک مالی که در دو دهه‌ی اخیر در مقاطع مختلف در سطح جهان روی داده‌اند، لزوم مدیریت یکپارچه و کمی ریسک مالی با تمرکز بر ریسک بازار و ریسک اعتباری را بیش از پیش مطرح ساخته‌اند (جیمس و والتر^{۱۳}، ۲۰۱۹).

۳- ریسک نقدینگی: نوعی ریسک بازار است که از تغییرات سطح حجم مبادلات بازار ناشی می‌شود. در مورد بانک‌ها، ریسک نقدینگی به دلیل کمبود و عدم اطمینان در میزان نقدینگی بانک ایجاد می‌شود. حالت دیگری که باعث افزایش ریسک نقدینگی می‌شود این است که بازارهایی که منابع بانک در آنها قرار دارد دچار کمبود نقدینگی شوند. ریسک نقدینگی با سایر ریسک‌های مالی مختلط است و به همین دلیل سنجش و کنترل آن با دشواری روبرو است (دنيس و همکاران، ۲۰۲۰).

۴- ریسک اعتباری: ریسکی است که از نکول / قصور طرف قرارداد، یا در حالتی کلی‌تر ریسکی است که از وجود می‌آید. به طور تاریخی این ریسک معمولاً در مورد اوراق قرضه واقع می‌شد، بدین صورت که قرض دهنده‌ها از بازپرداخت وام که به قرض‌گیرنده داده بودند، نگران بودند به همین خاطر گاهی اوقات ریسک اعتباری را «ریسک نکول» هم گویند. ریسک اعتباری از این واقعیت ریشه می‌گیرد که طرف قرارداد، نتواند یا نخواهد تعهدات قرارداد را انجام دهد. تأثیر این ریسک با هزینه جایگزینی وجه نقد ناشی از نکول طرف قرارداد سنجیده می‌شود. ضررهای ناشی از ریسک اعتباری ممکن است قبل از وقوع نکول واقعی طرف قرارداد رخ دهند. به طور کلی‌تر ریسک اعتباری را می‌توان به عنوان ضرر محتمل که در اثر یک رخداد اعتباری اتفاق می‌افتد، بیان کرد. رخداد اعتباری زمانی واقعی شود که توانایی طرف قرارداد در تکمیل تعهداتش تغییر کند. ریسک اعتباری یکی از مهمترین عوامل تولید ریسک در بانک‌ها و شرکت‌های مالی است. این ریسک از این جهت ناشی می‌شود که دریافت‌کنندگان تسهیلات توانایی بازپرداخت اقساط بدهی خود را به بانک نداشته باشند (آپدزان^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۱).

۳- روش تحقیق

روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، توصیفی و مقطعی می‌باشد که به منظور گردآوری داده‌ها درباره‌ی یک یا چند صفت در یک مقطع از زمان، انجام می‌شود. این گونه پژوهش به توصیف جامعه بر اساس یک یا چند متغیر می‌پردازد. از آنجایی که نتایج این تحقیق می‌تواند به طور عملی، مورد استفاده قرار گیرد، یک تحقیق کاربردی است. در تحقیق حاضر از روش گردآوری داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای، از طریق بانک‌های اطلاعاتی، شبکه‌های کامپیوتری و مطالعه و بررسی دستاوردهای پژوهشی پژوهشگران داخلی و خارجی، کتاب‌ها و مجلات علمی تخصصی و نیز مقالات علمی مرتبط با موضوع تحقیق موجود در وب سایت نشریات الکترونیکی معتبر و پایگاه نشریات الکترونیکی مراکز آموزش عالی کشور، اندیشکده‌های تخصصی، مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌های معتبر خارجی استفاده شده است.

در این تحقیق، شکل کلی مدل پیشنهادی برای برآورد عوامل موثر بر ریسک اعتباری بانک سپه به صورت زیر است:

$$Y = f(X_1, X_2, X_3, \dots, X_n)$$

¹³ Jimes, Walter

¹⁴ Apedzan



که در آن Y معرف ریسک اعتباری بوده و X ها معرف متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر ریسک اعتباری می باشند؛ که با استفاده از رگرسیون لاجیت یا مقطعی به تخمین مدل پرداخته شده است.

Y : ریسک اعتباری: اگر تسهیلات گیرنده اقساط خود را سر موعد پرداخت کرده باشد، عدد ۰ و در غیر این صورت عدد ۱ در نظر گرفته می شود.

X_1 : نوع تسهیلات: بخشی به صورت تکلیفی از طرف دولت برعهده بانک ها قرار می گیرد. این متغیر مجازی برای تسهیلات های بین نوع تسهیلات و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.

X_2 : میزان تسهیلات دریافتی: مبلغ تسهیلات دریافتی به میلیون ریال

X_3 : سابقه نزد بانک: این متغیر تعداد سال های را نشان می دهد که تسهیلات گیرنده زد بانک حساب باز کرده است.

X_4 : نوع وثیقه: به منظور اخذ تسهیلات، سپردن وثیقه توسط تسهیلات گیرنده نزد بانک اجتناب ناپذیر است. این متغیر مجازی برای وثیقه تضامنی ۰ و برای وثیقه ملکی- تضامنی ۱ در نظر گرفته می شود.

X_5 : پس انداز در زمان اخذ تسهیلات: آخرین مبلغی که نشان می دهد که تسهیلات گیرنده هنگام اخذ تسهیلات در حساب پس انداز خود داشته است.

: سابقه اخذ تسهیلات: اگر فرد قبلاً از بانک تسهیلات گرفته باشد عدد ۰ و در غیر این صورت عدد X_6

جدول ۱: مشخصات متغیرهای تحقیق

نام متغیر	علامت اختصاری
ریسک اعتباری	Y
نوع تسهیلات	X_1
میزان تسهیلات دریافتی	X_2
سابقه نزد بانک	X_3
نوع وثیقه	X_4
پس انداز در زمان اخذ تسهیلات	X_5
سابقه اخذ تسهیلات	X_6

براساس مدل پیشنهادی فرضیه های تحقیق به صورت زیر می باشند:

- ۱- بین نوع تسهیلات و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۲- بین میزان تسهیلات دریافتی و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۳- بین سابقه نزد بانک و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۴- بین نوع وثیقه و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۵- بین پس انداز در زمان اخذ تسهیلات و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۶- بین سابقه اخذ تسهیلات و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.
- جامعه آماری مورد مطالعه، کل تسهیلات گیرندگان از بانک تجارت شعب مرکزی شهر تبریز در سال ۱۴۰۰ می باشد. اطلاعات مورد نیاز از طریق بررسی پرونده های تسهیلات گیرندگان از این شعب گردآوری شده و حجم نمونه با استفاده از



روش نمونه گیری تصادفی ساده متناسب مشخص شده است که در کل از ۴۲۰ پرونده موجود اطلاعات ۹۹ پرونده به عنوان نمونه جمع آوری شده است. همچنین جهت آزمون فرضیه ها از آزمون های مانایی و رگرسیون لاجیت از نرم افزار EVIEWS استفاده شده است.

۴- یافته ها

۴-۱- برآورد مدل لاجیت

جدول ۲- نتایج آزمون لاجیت

متغیر	B(ضریب تاثیر)	Zآماره	ضریب معناداری	احتمال
C	-۷/۳۳۲۴۰۶	-۲/۸۷۹۱۷۹	-	۰/۰۰۴۰
نوع تسهیلات	-۴/۲۷۶۶۷۵	-۳/۳۱۵۶۳۲	معنادار منفی	۰/۰۰۰۹
میزان تسهیلات دریافتی	۰/۰۰۴۸۸۹	۰/۲۲۹۷۷۷	عدم معناداری	۰/۸۱۸۳
سابقه نزد بانک	۰/۱۳۶۴۵۰	۰/۴۳۶۷۷۲	عدم معناداری	۰/۶۶۲۳
نوع وثیقه	-۳/۲۶۰۶۰۰	-۳/۳۸۴۱۱۹	معنادار منفی	۰/۰۰۰۷
پس انداز در زمان اخذ تسهیلات	۰/۰۰۲۴۷۶	۰/۵۴۷۳۲۴	عدم معناداری	۰/۵۸۴۲
سابقه اخذ تسهیلات	-۳/۵۹۷۸۵۸	-۰/۸۲۰۹۲۹	معنادار منفی	۰/۰۰۴۸
Number of Obs		۹۹		
McFadden R-Squared		۷۳۰۵۶۶		
LR Statistic		۹۸/۱۲۱۸۶		
Prob (LR Statistic)		۰/۰۰۰		

براساس نتایج جدول (۲)، مشاهده می شود که:

یکی از معیارهای موجود برای بررسی معناداری مدل (صفر نبودن کلیه ضرایب)، آماره LR (این آماره به منظور بررسی معناداری مدل رگرسیون لاجیت استفاده می شود). که دارای مقداری برابر ۹۸/۱۲۱۸۶ و احتمال آماره LR برابر ۰/۰۰۰ می باشد. لذا نتیجه آماره LR نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن کلیه ضرایب رد شده و در نتیجه رگرسیون تخمین زده شده معنادار است.

مقدار آماره مک فادن بین صفر و یک تغییر می نماید و به خوبی ارزش مدل را اندازه گیری مبنماید. عدد به دست آمده R^2 مک فادن ۰/۷۳۰۵۶۶ است که نشان می دهد، ما تنها توانسته ایم ۷۳٪ عوامل تاثیرگذار بر ریسک اعتباری را شناسایی کنیم و مابقی عوامل می تواند ناشی از موارد دیگری غیر از متغیرهای فوق باشد. با توجه به نتایج جدول (۲):

- ۱- متغیر نوع تسهیلات با ضریب -۴/۲۷۶۶۷۵ با ریسک اعتباری رابطه منفی و معناداری دارد.
- ۲- میزان تسهیلات دریافتی با ضریب ۰/۰۰۴۸۸۹ رابطه معناداری با ریسک اعتباری را نشان نمی دهند.
- ۳- سابقه نزد بانک تجارت با ضریب ۰/۱۳۶۴۵۰ رابطه معناداری با ریسک اعتباری را نشان نمی دهند.
- ۴- نوع وثیقه با ضریب -۳/۲۶۰۶۰۰ با ریسک اعتباری رابطه منفی و معناداری دارد.
- ۵- پس انداز در زمان اخذ تسهیلات با ضریب ۰/۰۰۲۴۷۶ رابطه معناداری با ریسک اعتباری را نشان نمی دهند.

۶- سابقه اخذ تسهیلات با ضریب $3/598758$ - با ریسک اعتباری رابطه منفی و معناداری دارد.

۴-۲- آزمون هاسمر - لمشو

در مدل های دارای متغیر وابسته ی منقسم به دو گروه (متغیر مجازی) میزان R^2 به عنوان اندازه گیری خوبی برازش، چندان قابل اعتماد نیست. در این رابطه از معیارهای دیگری در ادبیات مطرحه استفاده می شود. یکی از این معیارها، آزمون هاسمر - لمشو است که در ارتباط با مدل رگرسیونی نتایج آزمون هاسمر - لمشو در جدول (۳)، نشان دهنده ی نیکویی مدل برازش شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون هاسمر - لمشو

نوع آزمون	آماره کای دو	سطح احتمال آماره	نتیجه آزمون
هاسمر - لمشو	۱۰/۶۲۸۵	۰/۲۲۳۷	نیکویی مدل برازش شده

۵- بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری در بانک تجارت بود. داده های مورد تجزیه و تحلیل در سال ۱۴۰۰ از بانک تجارت شعب مرکزی شهر تبریز جمع آوری شده است. برای تعیین روش تجزیه و تحلیل داده ها در جهت بررسی فرضیه ها از روش لاجیت استفاده گردید. نتایج فرضیه ها نشان داد که:

فرضیه اول: بین نوع تسهیلات و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.

متغیر نوع تسهیلات با ضریب $4/276675$ - با ریسک اعتباری رابطه منفی و معناداری دارد. با توجه به این که در متغیر وابسته پرداخت به موقع اقساط صفر در نظر گرفته شده و پرداخت تسهیلات های تکلیفی از طرف دولت هم صفر در نظر گرفته شده است این بدان معناست که اگر تسهیلات های بانکی که به صورت تکلیفی از طرف دولت برعهده بانک ها قرار می گیرد، افزایش یابد باعث کاهش در ریسک اعتباری می گردد. بنابراین فرضیه اول تایید می شود.

فرضیه دوم: بین میزان تسهیلات دریافتنی و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.

میزان تسهیلات دریافتنی با ضریب $0/004889$ رابطه معناداری با ریسک اعتباری را نشان نمی دهند. این بدان معنا می باشد که میزان تسهیلات در باز پرداخت آن اثری ندارد و مبالغ پایین در کاهش ریسک اعتباری اثری نمی گذارد و بلعکس. بنابراین فرضیه دوم تایید نمی شود.

فرضیه سوم: بین سابقه نزد بانک و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.

سابقه نزد بانک با ضریب $0/136450$ رابطه معناداری با ریسک اعتباری را نشان نمی دهند. تعداد سال هایی که تسهیلات گیرنده نزد بانک حساب باز کرده است. نمی تواند در کاهش ریسک اعتباری تاثیر گذار باشد. بنابراین فرضیه سوم تایید نمی شود.

فرضیه چهارم: بین نوع وثیقه و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.

نوع وثیقه با ضریب $3/260600$ - با ریسک اعتباری رابطه منفی و معناداری دارد. با توجه به این که در متغیر وابسته پرداخت به موقع اقساط صفر در نظر گرفته شده و وثیقه تضامنی هم صفر در نظر گرفته شده و ضریب حاصله منفی و معنادار می باشد، می توان گفت وثیقه تضامنی باعث کاهش ریسک اعتباری می گردد. بنابراین فرضیه چهارم تایید می شود. فرضیه پنجم: بین پس انداز در زمان اخذ تسهیلات و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.



پس انداز در زمان اخذ تسهیلات با ضریب $0/002476$ رابطه معناداری با ریسک اعتباری را نشان نمی دهند. آخرین مبلغی که نشان می دهد که تسهیلات گیرنده هنگام اخذ تسهیلات در حساب پس انداز خود داشته است نمی تواند معیار مناسبی برای کاهش ریسک اعتباری باشد. بنابراین فرضیه پنجم تایید نمی شود.

فرضیه ششم: بین سابقه اخذ تسهیلات و ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد.

سابقه اخذ تسهیلات با ضریب $-3/598758$ با ریسک اعتباری رابطه منفی و معناداری دارد. با توجه به این که در متغیر وابسته پرداخت به موقع اقساط صفر در نظر گرفته شده و اگر فرد قبلاً از بانک تسهیلات گرفته باشد و سابقه گرفتن تسهیلات داشته باشد هم صفر در نظر گرفته شده و ضریب بدست آمده منفی و معنادار می باشد به این معناست که پرداخت تسهیلات به کسانی که سابقه اخذ تسهیلات دارند باعث افزایش ریسک اعتباری می گردد. بنابراین فرضیه ششم تایید می شود.

نتایج این تحقیق با فوس و همکاران (۲۰۱۸)، شیخوا (۲۰۱۸)، فلامینی و همکاران (۲۰۱۷)، اپر و لافونت (۲۰۱۵)، خوش سیما و تاش (۱۳۹۷)، آذرپندار (۱۳۹۷) و میرزایی (۱۳۹۶)، همسو و هم راستا می باشد. براساس نتایج تحقیق برای کاهش ریسک اعتباری بانک ها می توان موارد زیر را پیشنهاد نمود:

- ۱- دولت بانک ها را مکلف به اعطای وام تکلیفی صرفاً از طریق راهکارهای غیر حضوری نماید.
- ۲- با توجه به بند ۱، بانک تجارت مراحل اعطای تسهیلات حمایتی از نوع خرد را غیر حضوری و فرایند اعطای تسهیلات را به شرکت واسط و تحت نظارت برای اعتبارسنجی درست و دریافت مدارک و تضامین کافی واگذار نماید.
- ۳- با توجه به بند ۲، بانک تجارت می تواند بر تسهیلات حمایتی، پروژه های بزرگ تولیدی و مولد تمرکز بیشتری داشته باشد.
- ۴- بانک تجارت جهت کاهش ریسک های آتی و اعتباری ناشی از عدم پرداخت اقساط، سیستم خوش حق حسابی به مشتریان و امتیازدهی به این نوع مشتریان را طراحی و اجرا نماید.

۶- منابع

۱. آذرپندار، محمد (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین ریسک نقدینگی و اعتباری در صنعت بانکداری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی.



۲. خوش‌سیما، هادی و تاش، مهدی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و نقدینگی بر کارایی نظام بانکی ایران، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، شماره ۱.
 ۳. ریاحی‌بلوکی، احمد (۱۳۹۶). تئوری‌های حسابداری، ترجمه علی پارسیان، انتشارات ترکه، چاپ سوم.
 ۴. طارمی، علی و بهنامی، کیهان (۱۴۰۱). بررسی عوامل موثر بر ریسک اعتباری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مدیریت، شماره ۱۸، صفحه ۶۱-۷۱.
 ۵. فارغ، محمد (۱۳۹۱). تأثیر فشارهای مالی و مدیریت ریسک بر عملکردهای مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها، مجله دانش حسابداری، شماره ۵، صفحه ۵۰.
 ۶. میرزائی، نقی (۱۳۹۶). بین ریسک اعتباری و قیمت تمام شده پول در بانک کشاورزی (مطالعه موردی استان کرمان)، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۶، ۴۶-۲۷.
 ۷. مرادی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سهام‌مدیریتی بر ارتباط بین جریان وجوه نقد آزاد و ریسک اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، دانشکده مدیریت و حسابداری.
1. Apedzan Emmanuel Kighir Normah Haji Omar Norhayati Mohamed (2021). Corporate cash flow and dividends smoothing: a panel data analysis at Bursa Malaysia, Journal of Financial Reporting and Accounting, Vol. 13 Iss 1 pp. 2 – 19.
 2. Denis, David J., and Igor Osobov (2020). Why Do Firms Pay Dividends International Evidence on The Determinants of Dividend Policy.
 3. Epure, M., Lafuente, L. (2015). Examine the relationship between corporate environmental disclosure, corporate governance and earnings management, Accounting Horizons, 17, 365-383.
 4. Festik Kighir, (2018), Corporate cash flow and dividends smoothing: a panel data analysis at Bursa Malaysia", Journal of Financial Reporting and Accounting, Vol. 13 Iss 1 pp. 2 – 19.
 5. Fous, Hamed (2018), Coordinating a three-level supply chain with delay in payments and a discounted interest rate, Computers & Industrial Engineering, Volume 69, March, Pages 29-42.
 6. Jimes, Adina E. Walter Daos (2019). Takeover bids vs. proxy fights in contests for corporate Control. Harvard Law and Economics Discussion Paper No. 336, and ECGI Finance Working Paper No. 04/2002. SSRN.com/abstract=290584.
 7. Laurence Booth Jun Zhou, (2015). Market power and dividend policy. Managerial Finance (www.emeraldinsight.com).
 8. LaPorta, R., Lo'Pez-De-Silanes, F., Shleifer, A. & R. Vishny (2000), Agency Problems &. Dividend Policies around the World, Journal of Finance, Vol. 55, PP. 1–33.
 9. Richard Hauser, John H Thornton Jr, (2017). Dividend policy and corporate valuation, Managerial Finance, Vol. 43 Issue: 6, doi: 10.1108/MF-05-2015-0157.
 10. Ronny Manos, Victor Murinde & Christopher J. Green (2012), Dividend Policy & Business Groups: Evidence from Indian Firms, International Review of Economics & Finance, Vol. 21, PP. 42–56.
 11. Skinner and Soltes Kenneth F. R. (2011). Disappearing Dividends: Changing Firm Characteristics or Lower Propensity to Pay?, Journal of Financial Economics, 60 (1): 3–43.
 12. Weigand, Robert A., and H. Kent Baker (2009). Changing Perspectives on Distribution Policy, Managerial Finance, Vol.35 No.6 pp.479-492.